

باشگاه بودن دنیا یعنی چه؟ دنیا چگونه به رشد ما کمک می‌کند؟

هدف از باشگاه بودن دنیا، ساخته شدن ماست.

آیا تا به حال شنیده‌اید که دنیا یک باشگاه قدرتمند برای ماست؟ نظر شما درباره دنیا چیست؟ آیا باشگاه بودن دنیا را قبول دارید و در این باشگاه به طور رسمی ثبت‌نام کرده‌اید؟ همه ما تا به حال تعابیر زیادی درباره دنیا شنیده‌ایم؛ برای مثال دنیا مزرعه آخرت است یا این تعبیر که دنیا مانند یک گذرگاه یا کاروانسرا است و نباید به آن دل بست، اما باشگاه بودن دنیا تعبیر بسیار تأمل برانگیز و عجیبی است که شاید بسیاری از ما تا به حال آن را شنیده باشیم. به راستی چگونه دنیا می‌تواند، مانند یک باشگاه عمل کند و ما را رشد دهد؟ اصلاً این باشگاه چگونه رشدی در ما به وجود می‌آورد؟ با اینکه در درس قبل هم به این موضوع پرداخته‌ایم اما قصد داریم در این درس باشگاه بودن دنیا را کمی دقیق‌تر بررسی کنیم.

چیزی که مسلم است باشگاه بودن دنیا مربوط به جسم ما نیست؛ چون برای تقویت و ورزیده شدن جسم باشگاه‌های متنوع ورزشی و بدن‌سازی وجود دارد و هرکس که تمایل و شرایط جسمی داشته باشد در آن‌ها ثبت‌نام می‌کند؛ درحالی‌که دنیا برای همگان با هر شرایط جسمی یک باشگاه است، حتی کسانی که جسمی بسیار بیمار دارند یا با معلولیت شدید جسمی به دنیا می‌آیند. پس اگر باشگاه دنیا مربوط به جسم ما نیست، مربوط به چیست؟

بیباید قبل از پرداختن به باشگاه بودن دنیا ابتدا به ماهیت و ابعاد وجودی خودمان بپردازیم و سپس بگوییم این باشگاه قرار است چه رشدی در ما به وجود آورد. همان طور که در دروس قبل به آن اشاره شد انسان دارای پنج بعد وجودی است. بعد انسانی یا فوق عقلائی وجود ما، نفخه‌ای از خداوند است که در جسم ما دمیده شده، ابدی و جاودانه است و تا خداوند، خدایی می‌کند زنده است و مرگ ندارد، این بخش خود حقیقی وجود ماست و پس از وفات به سوی خداوند بازمی‌گردد. باشگاه بودن دنیا هم مربوط به همین بخش است، یعنی دنیا باعث رشد و تکامل روح ما می‌شود.

حال این سوال پیش می‌آید که چگونه دنیا می‌تواند باشگاهی برای رشد روح ما باشد؟ مربی این باشگاه کیست؟ اگر این باشگاه و مربی آن را به رسمیت نشناسیم، چه اتفاقی برای ما می‌افتد؟ در این درس به این سؤال‌ها پاسخ خواهیم داد.

دنیا، باشگاه انسان‌سازی

ما به دنیا آمده‌ایم تا با دریافت اسماء و صفات الهی به مقام جانشینی خدا یا خلیفه الهی برسیم.¹ البته بعد انسانی یا روح ما به صورت بالقوه همه صفات و اسماء الهی را با خودش دارد، اما باید با مشکلات و تضادهای دنیا روبه‌رو شویم تا اسماء و صفات الهی در ما به فعلیت برسند؛ به عبارتی ما تنها در برخورد درست با سختی‌ها و امتحان‌های زندگی در باشگاه دنیا می‌توانیم اسماء الهی را در خود فعال کنیم، برای مثال رحمان، صبور، غفور، شکور، ستار، جواد یا کریم شویم. میزان ثروت و دارایی حقیقی هر کدام از ما در این است که چه تعداد اسم را دریافت کرده‌ایم و به چه میزان شبیه خداوند شده‌ایم. بنابراین باشگاه بودن دنیا به این معنی است که ما در امتحان‌ها و سختی‌های دنیا با کسب اسماء الهی به رشد و قدرت روحی و به قدر حقیقی خود که جانشینی خداوند است، می‌رسیم. در حقیقت می‌توانیم بگوییم که دنیا یک باشگاه انسان‌سازی است. حال ممکن است این سؤال برای ما پیش بیاید که مربی ما در این باشگاه کیست؟

مربی ما در باشگاه دنیا کیست؟

بدون شک هر باشگاهی به مربی نیاز دارد. یکی از اسامی خداوند رب است، رب یعنی تربیت کننده و مربی و همین اسم تکلیف مربی ما در باشگاه دنیا را مشخص می‌کند. در باشگاه دنیا، خداوند مربی ماست. خداوند به تناسب مختصات و شرایط زندگی هر کس امتحان و تمرین‌هایی برای رشد و تربیت او قرار می‌دهد. در یک باشگاه ورزشی هدف شاگرد شبیه شدن به مربی و کسب توانایی‌های اوست و شاگردان برای رسیدن به این شباهت از تمام دستورات مربی خود اطاعت کرده و مربی برای ریزترین زمان‌ها و اعمال شاگردان خود برنامه‌ریزی می‌کند. اگر در یک باشگاه ورزشی ثبت نام کنید و مربی نه به شما رژیم غذایی خاصی را توصیه کند و نه تمریناتی بیشتر از سطح توان شما تجویز کند، چه خواهید کرد؟ اگر همین مربی در زمان مبارزه تمرینی حریفی بسیار پایین‌تر از سطح شما را مقابلتان قرار داده

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» سورة بقره، آیه 30¹

و یا خود با ضرباتی نرم و ملایم با شما مبارزه کند در مورد او چه فکر می‌کند؟ قطعاً اگر تصمیم و هدف شما رسیدن به درجات بالای ورزشی باشد، با این مربی به هدف نخواهید رسید چون تمرینات سخت ورزشی، اردوهای طولانی و مبارزات جدی همگی از برنامه‌های جدا نشدنی فردی است که جداً قصد کرده شبیه به مربی خود باشد و به قهرمانی جسمی دست پیدا کند. هدف ما در باشگاه دنیا هم شبیه شدن به مربی‌مان است و درست مانند هنرجویان یک باشگاه ورزشی برای قدرت گرفتن و شبیه شدن به مربی باید از او حرف‌شنوی داشته و تسلیم او باشیم چون بدون انجام دستورهای مربی شباهتی اتفاق نخواهد افتاد، در همهٔ انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، رفتارها و افکارمان باید با مربی هماهنگ بوده و مطیع محض او باشیم، فقط در این صورت است که می‌توانیم به هدف خود برسیم و از دنیا موفق بیرون بیاییم.

بنابراین همهٔ سختی‌هایی که در زندگی ما اتفاق می‌افتد، نوعی تمرین برای کسب شباهت به مربی و به دست آوردن صفات اوست. مانند چالش‌ها، تمرین‌ها و مبارزاتی که یک مربی ورزشی برای شاگردان خود ترتیب می‌دهد؛ چون بدون انجام تمرینات سخت رسیدن به قهرمانی ممکن نیست.

امتحانات و ابتلائات دنیا برای نمونه ثروتمند یا فقیر بودن، سالم یا بیمار بودن، رئیس یا مرئوس بودن، متأهل یا مجرد بودن، فرزند داشتن یا نداشتن، زیبا بودن یا نبودن، همگی شرایط رشد ما فراهم می‌کنند، اما اینکه ما رشد کنیم یا نه بستگی به میزان اطاعت ما از مربی در نوع برخوردمان با آن مسئله دارد. ممکن است یک فرد در برخورد با ثروت اشتباه عمل کند و دیگری با وجود فقر به مقام خلافت الهی برسد یا بالعکس. مهم این است که هر کدام از ما در مختصات خاص زندگی خودمان، مطیع مربی خود باشیم.

آرامش و نشاط، نتیجهٔ اعتقاد به باشگاه بودن دنیا

کسی که باشگاه بودن دنیا را پذیرفته است، سختی‌ها و مشکلات دنیا را با صبوری تحمل می‌کند و آرامش و شادی درونی خود را در هر شرایطی از دست نمی‌دهد؛ چون همهٔ آن‌ها را تمرین‌هایی می‌بیند که او را روز به روز قوی‌تر و به خداوند شبیه‌تر

می‌کند، همان‌طور که با اشتیاق در باشگاه ورزشی ثبت‌نام و با صبوری تمام تمرین‌های سختی که مربی می‌دهد را تحمل می‌کنیم تا به مهارت رسیده و شبیه استاد و مربی خود شویم. جالب اینجاست که برای رفتن به باشگاه و سختی کشیدن، هزینه هم می‌کنیم؛ چون به این باور رسیده‌ایم که این تمرین‌های سخت به نفع ما هستند.

در مقابل، کسی که حقیقت انسانی خود را نمی‌شناسد، از باشگاه بودن دنیا اطلاع ندارد و خداوند را مربی خود نمی‌داند، تحمل سختی‌ها و مشکلات دنیا را ندارد و در مواجهه با پستی و بلندی‌های زندگی، دچار اضطراب، غصه، افسردگی، کینه و عصبانیت می‌شود؛ برای نمونه در مصیبت‌ها یا مشکلاتی مانند از دست دادن عزیزان، ورشکستگی مالی و بیماری‌های سخت خود را می‌بازد. چون دلیل قانع‌کننده‌ای برای تحمل این سختی‌ها پیدا نکرده و آنها را مخل آسایش خود می‌داند، چیزی شبیه به شرایط جنینی که رشد اعضا و اندام‌های بدن خود را برای زندگی رحمی خود دردناک، دست و پاگیر و غیرضروری می‌داند؛ چون دنیای بعد از رحم مادر را باور نکرده است.

در این مقاله ابتدا درباره‌ی بخش انسانی یا روح انسان که ابدی و جاودانه است صحبت کردیم و گفتیم که دنیا باشگاهی برای رشد و ساخته شدن روح ماست. خداوند مربی ما در دنیاست و هرکدام از ما را با توجه به شرایط و مختصات زندگی خودمان امتحان و تربیت می‌کند. ما در باشگاه دنیا در برخورد با سختی‌ها و امتحان‌های الهی اسما و صفات الهی را دریافت کرده و شبیه مربی خود، خداوند می‌شویم؛ البته به شرطی که کاملاً مطابق با دستورات مربی خود عمل کرده و تسلیم او باشیم. در این صورت است که هیچ کدام از سختی‌ها و مصیبت‌های زندگی نمی‌تواند شادی و آرامش درونی مان را از ما بگیرد؛ چون همه آن‌ها را وسیله‌ای برای رشد خود در محیط رحمی دنیا می‌دانیم.

نظر شما درباره‌ی باشگاه بودن دنیا چیست و چه تجربه‌ای از تمرین‌های این باشگاه دارید؟ مشتاق شنیدن نظرات ارزشمند شما هستیم.